

رفع چالش‌های تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی در حقوق ایران با استفاده از احکام مشارکت (پارتнерشیپ) در حقوق انگلیس

حمیدرضا اقدس طینت^۱، محمد عیسائی تفرشی^{۲*}، مرتضی شهبازی نیا^۳

- دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۲

دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۱

چکیده

در شرکت مدنی که در نظام حقوقی ایران قادر شخصیت حقوقی و مسؤولیت شرکا در مقابل اشخاص ثالث، مطابق دیدگاه رایج، مسؤولیتی نامحدود است؛ هرشریک به تناسب سهم خود در شرکت در مقابل دیون نسبت به اشخاص ثالث، مسؤولیت دارد. ازطرف دیگر در شرکت

Email: Tafreshi@modares.ac.ir

* نویسنده مسؤول مقاله:

مدنی تقسیم سود و زیان میان شرکا نیز در صورت اطلاق، به نسبت سهم ایشان در شرکت، صورت می‌گیرد. صرف نظر از اینکه برای شرکا این امکان فراهم باشد در تقسیم سود و زیان بین خود به نحو دیگری عمل کنند یا نه، به اعتقاد نگارندگان آنچه در فقه و قانون در باب تقسیم بر مبنای سرمایه مقرر شده، ناظر بر همین فرض اخیراست و مسأله نخست یعنی مسؤولیت شرکا در مقابل اشخاص ثالث، تنها در حالت اطلاق، به نسبت سرمایه شرکا و به صورت نامحدود صورت می‌گیرد ولی تحدید این مسؤولیت، به علت فقدان شخصیت حقوقی شرکت مدنی تابع قواعد عام در زمینه تحدید مسؤولیت اشخاص است، و در صورت عدم مغایرت با قواعد آمره، بلامانع و صحیح است. بدیهی است چنین امری در تمايل و رغبت اشخاص برای مشارکت با یکدیگر در قالب شرکت مدنی بسیار مؤثر است. البته باز هم مشکلاتی در راستای تحقق این هدف وجود دارد چراکه براین اساس تحدید مسؤولیت در مقابل اشخاص ثالث، منوط به توافق با ایشان است؛ لذا نمی‌توان در مواردی که توافق با ثالث صورت نگرفته و نیز در مسؤولیت غیر قراردادی قائل به آن شد. لزوم چنین توافقی و عدم امکان استناد به تحدید مسؤولیت در الزامات خارج از قرارداد، مانع و چالشی در مقابل شرکای شرکت مدنی محسوب می‌شود و توجیه‌گر استفاده از راههای دیگر مانند بهره‌گیری از احکام نهادهایی چون مشارکت (پارتnerشیپ) بامسؤولیت محدود و مشارکت (پارتnerشیپ) محدود است که حسب مورد چنین قابلیت‌هایی را برای اشخاص فراهم آورد. در این مقاله به تبیین این راهها پرداخته شده است.

وازگان کلیدی: شخصیت حقوقی، شریک عادی (عمومی)، شریک با مسؤولیت محدود، تحدید مسؤولیت قراردادی، تحدید مسؤولیت غیر قراردادی.

۱. مقدمه

شرکت مدنی در حقوق ایران فاقد شخصیت حقوقی است، مالکیت آورده‌ها در اختیار شرکا باقی می‌ماند و خود شرکت که برخلاف شرکت تجاری، فاقد شخصیت مستقل از شرکاست؛ بر اموال، حق مالکیت ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۹-۱۰). همچنین اگر در مقابل اشخاص ثالث، تعهدی ایجاد شود، این تعهد نه بر عهده شرکت، که بر عهده



خود شرکاست. شرکت مدنی به دلیل فقدان شخصیت حقوقی اساساً نمی‌تواند مسؤول به حساب آید؛ زیرا شخصیت، وصف و شایستگی شخص برای صاحب حق و تکلیف شدن است (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۹۵، ص ۹) و مسؤولیت نوعی تکلیف به شمار می‌آید و نیازمند شخصیت است؛ درحالی که شرکت مدنی شخصیت حقوقی ندارد؛ بنابراین سخن از مسؤولیت در برابر ثالث درشرکت مدنی، چیزی جز مسؤولیت فردفرد شرکا در مقابل اشخاص ثالث نیست و طبعاً اگر بخواهیم تحدید مسؤولیت را درشرکت مدنی، بررسی کنیم باید به بررسی امکان تحدید مسؤولیت اشخاص به طور کلی دربرابر ثالث پردازیم. از همین رو در انتخاب عنوان مقاله از انتخاب عبارت «تحدید مسؤولیت شرکت مدنی» پرهیز، و عبارت «تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی» را انتخاب کرده‌ایم.

در فقه (محقق، ۱۳۷۷، ص ۱۲۲؛ کرکی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۲۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۹، ص ۳۲۴؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۱۴-۳۱۱) و در ماده ۵۷۵ قانون مدنی تصریح شده است که تقسیم سود و زیان میان شرکا درشرکت مدنی به نسبت سهم ایشان صورت می‌پذیرد. ماده ۵۷۵ ق.م مقرر داشته است: «هریک از شرکا به نسبت سهم خود در نفع و ضرر سهیم می‌باشد، مگر اینکه برای یک یا چند نفر از آنها در مقابل عملی سهم زیادتری منظور شده باشد». دراینکه آیا شرکا می‌توانند با توافق بین خود ترتیب دیگری بدهند، اختلاف نظر وجود دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۱۸). ظاهراً مفهوم مخالف ذیل ماده ۵۷۵ این است که اگر یکی از شرکا عمل زیاده‌ای در شرکت انجام ندهد، چنین شرطی ممکن و معتبر نیست. عده‌ای از قوهای حقوقدانان چنین نظری داده‌اند (محقق، ۱۳۷۷، ص ۱۲۲؛ محقق کرکی، ج ۸، ص ۲۴؛ صاحب ریاض، ج ۹، ص ۳۲۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۱۱-۳۱۴؛ ابوالصلاح به نقل از همان؛ شهیدثانی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۲ و امامی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۴) و در مقابل عده‌ای آن را نافذ شمرده (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۲۷؛ صاحب جواهر، ۱۹۸۱، ج ۲۶، ص ۳۰۲-۳۰۱).

۳۰۰؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۰۲-۷۰۱؛ مامقانی در مناهج المتقین، به نقل از: کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۱۸) و از جمله در خصوص چنین شرطی، پس از بیان اختلاف نظرها، اظهار داشته‌اند: «نفوذ آن بر مبنای ماده ۱۰ ق.م. ترجیح دارد». (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۴۰۸.).

به نظر می‌رسد مسؤولیت در قبال اشخاص ثالث نیز نوعی زیان وارد بر شرکا در شرکت مدنی است؛ زیان را می‌توان از دست دادن آنچه دانست که انسان واجد است ... عدم النفع هم اگر مقتضی آن تمام و کامل باشد، زیان به حساب می‌آید (نائینی، بی-تا، ص ۱۹۸؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶). مسؤولیت و دین در قبال ثالث نیز مشمول این تعریف است و بنابر آنچه گفته شد زیان به حساب می‌آید؛ لذا در صورت عدم توافق میان شرکا، مسؤولیت در قبال دیون به نسبت سرمایه انجام می‌شود؛ اما در صورت توافق مغایر، هر شریک طبق توافق صورت گرفته، مديون خواهد شد.

یکی از پرسش‌هایی که در اینجا مطرح می‌شود این است که این توافق نسبت به اشخاص ثالث نیز قابلیت استناد دارد یا تنها در روابط میان خود شرکا معتبر است؟ و نکته دیگر تفاوت تحدید مسؤولیت در قبال اشخاص ثالث بافرض قبل است. در توضیح این تفاوت باید توجه کرد در فرض قبل، میان شرکا توافقی صورت گرفته که تقسیم سودوزیان میان آنها برطبق توافقشان صورت گیرد و در هر حال-چه این توافق نسبت به ثالث مؤثر باشد یا نباشد- در اصل مسؤولیت نامحدود مجموع شرکا دربرابر ثالث، تغییری حاصل نمی‌شود. یعنی جمع شرکا (شرکت مدنی) نسبت به اشخاص ثالث، مسؤول پرداخت تمام بدھی است که ممکن است تقسیم این مسؤولیت بین شرکا، به نسبت سرمایه یا بنا به توافق خودشان باشد. اما موضوع فرض دوم این است که آیا مسؤولیت شرکا در قبال ثالث می‌تواند از حالت نامحدود خارج شود و درنتیجه اشخاص ثالث بیش از مبلغ معینی حق رجوع به هیچ یک از شرکا نداشته باشند یا خیر. فرض اخیر بیانگر تحدید مسؤولیت در قبال اشخاص ثالث در شرکت



مدنی است و درخصوص محدود ساختن این مسؤولیت دو مسأله مطرح می شود: یکی امکان دوم چگونگی آن.

در رابطه با این فرض پرسش‌های دیگری هم مطرح می‌شود: آیا شرط تحدید مسؤولیت درشرکت مدنی به نحوی که مسؤولیت شرکا حتی ازسرمایه شرکت هم کمتر باشد معتبر است یا خیر؟ نحوه این تحدید مسؤولیت درشرکت مدنی چگونه است؟ آیا برای محدودسازی مسؤولیت، مورد به مورد نیازبه توافق بالاشخاص ثالث وجوددارد یا شرکا می‌توانند باگنجاندن این شرط ضمن شرکتname به تحدید مسؤولیت خود درقبال اشخاص ثالث استناد کند؟ برای محدود شدن مسؤولیت در خسارات غیرقراردادی چه راههایی درحقوق ایران قابل تصور است؟ و به طورکلی در راستای اهداف مزبور چه محدودیتهایی در سازوکارهای قانونی فعلی وجود دارد و برای رفع آن چه پیشنهادهایی می‌توان ارائه داد؟

دراین مقاله به منظور یافتن پاسخ پرسش‌های فوق درنظام حقوقی ایران، به تحلیل تحدیدمسؤولیت به طور کلی، تحدیدمسؤولیت درشرکت مدنی، چالشهای این امر و ارائه راهکار برای رفع آن با استفاده از احکام مشارکت (پارتнерشیپ) در حقوق انگلیس پرداخته‌ایم.

۲. تحدید مسؤولیت به طور کلی

دراینجا پرسش این است که یک شخص-خواه شریک در شرکت مدنی یا غیرآن و خواه شخص حقیقی یا حقوقی- می‌تواند مسؤولیت خود را در مقابل اشخاص ثالث محدود کند یا خیر. لازم به توضیح است مسؤولیت کلیه اشخاص در برابر ثالث اصولاً مسؤولیتی نامحدود (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۹۵، ص ۱۶-۱۸) و تحدید آن نیازمند دلیل است. حتی مسؤولیت شرکتهای تجاری که شخص حقوقی محسوب می-

شوند - چه شرکتهای اشخاص و چه شرکتهای سرمایه- در قبال اشخاص ثالث، مسؤولیتی نامحدود است. شرکت تجاری (حتی اگر از شرکتهای دارای مسؤولیت محدود یا به اصطلاح شرکتهای سرمایه باشد) به عنوان یک شخص دربرابر اشخاص ثالث مسؤولیت دارد و این مسؤولیت اصولاً محدود به میزان و مبلغی خاص نیست که شرکت در قبال اشخاص ثالث تنها تا این مبلغ مسؤول باشد. به همین دلیل اگر این شخص سودهایی به دست آورد و به دارایی اش افزوده شود، این سودها نیز متعلق حق طلبکاران شرکت قرارمی‌گیرد و قبل از تقسیم میان شرکا بایستی بدھیهای شرکت از آن پرداخته شود (مواد ۲۱۵-۲۱۶ ق.ت. ۱۳۱۱ و مواد ۲۴۰-۲۳۷ و ۲۲۵-۲۲۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷) اما در شرکتهای اشخاص، شرکا متعهد شده‌اند در صورتی که شرکت در وضع ورشکستگی قرارگرفت، نسبت به مازاد بدھیها از اموال شخصی خود، این دیون را پرداخت کند، آن هم پس از انحلال شرکت (مواد ۱۲۴، ۱۷۴ و ۱۸۷ ق.ت)؛ و گرنه در این شرکتها هم در زمان فعالیت، شرکت خودش مسؤولیت دارد و این مسؤولیت محدود به مبلغی معین نیست. در شرکتهای سرمایه مسؤولیت خود شرکت محدود به مبلغی معین نیست، اما در صورت ورشکستگی شرکت، طلبکاران نمی‌توانند طلب خود را از شرکا مطالبه کنند. چنین چیزی طبق قاعده کلی است.

بنابراین مسؤولیت تمامی اشخاص حتی شرکتهای سرمایه طبق قاعده مسؤولیتی نامحدود است و پرسش اصلی این قسمت این است که آیا امکان تحدید مسؤولیت اشخاص وجوددارد یا نه.

باید گفت چنانچه تحدید مسؤولیت با توافق با طرف مقابل صورت گیرد، منعی برآن وجود ندارد و تا آنجا که با قواعد آمره مخالفت نداشته باشد نافذ است. این مورد از یک جهت مشمول عموماتی چون «المؤمنون عند شروطهم» قرار می‌گیرد (که البته در نسخه‌های دیگر «المسلمون عند شروطهم» نیز آمده یا در برخی نقل قولها در ادامه آن بیان شده «إلا كل شرط أحل حراماً أو حرام حلالاً» (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰،



ص ۲۸۷-۲۸۹)، از جهت دیگر قواعدی چون «امکان تعیین مبلغ مقطوع خسارت در قرارداد» (ماده ۲۲۰ ق.م؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴-۱۴۲)، و «امکان اسقاط ضمان درک» (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵) می‌تواند به عنوان مؤید این امر مورد استناد واقع شود. این موارد همگی نمونه‌هایی است که شرط معافیت از مسؤولیت یا تحدید آن را در حقوق ایران پیش‌بینی کرده است.

در ادامه به یکی از موجبات تغییر مسؤولیت یعنی شرط کاستن از مسؤولیت-که به دو شکل شرط تحدید مسؤولیت و شرط عدم مسؤولیت قابل تصور است- از منظر فقهی و حقوقی می‌پردازیم.

۱-۲. از نظر فقهی

در فقه برخی شرط کاستن عدم مسؤولیت را منزله ابراء می‌دانند و درنتیجه معتقدند این امر تنها وقتی صحیح است که دینی موجود باشد. پس شرط عدم مسؤولیت، نسبت به دینی که هنوز به وجود نیامده ابراء مالم یجب و باطل است (شهید ثانی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۰ در بیان یکی از دو احتمال؛ صاحب جواهر، ۱۹۸۱، ج ۲۷، ص ۱۸۸). برخی این استدلال را قبول ندارند. شهید ثانی صحت چنین شرطی را قوی‌تر دانسته (شهید ثانی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۰؛ شهید ثانی، بی تا، ص ۶۲۸-۶۲۹). علامه حلی نیز شرط سقوط ضمان (نوعی شرط کاستن مسؤولیت) را در عاریه مضمونه صحیح دانسته است (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۶، ص ۲۷۶).

به نظر می‌رسد ماهیت حقوقی ابراء با شرط عدم مسؤولیت متفاوت و شرط عدم مسؤولیت (برخلاف ابراء) همیشه متوجه آینده است؛ لذا ایراد مالم یجب بودن ابراء در این خصوص وارد نیست؛ بنابراین ضرورتی ندارد دین موجود باشد.

۲-۲. ازنظر حقوقی

ازنظر حقوقی، به جز مسائل فوق، اشکال دیگری که برخی مطرح کردند احتمال مخالفت چنین شروطی با نظم عمومی و فراهم شدن زمینه سوء استفاده در پناه شرط تحديد مسؤولیت و امكان فریب و کلاهبرداری از این طریق است که درپاسخ به این اشکال هم می‌توان گفت تاجایی که اضرار عمدی و از روی سوء نیت وجود نداشته باشد، بلکه هدف از این شرط تنها مصونیت از زیانهای ناشی از خطرات احتمالی باشد، شرط تحديد مسؤولیت مغایرتی با نظم عمومی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵). اگر کاستن مسؤولیت، خلاف نظم عمومی بود، شخص زیاندیده حتی پس از ورود خسارت نیز نمی‌توانست از طرح دعوای مطالبه خسارت صرف نظر کند درحالیکه در امکان این امر تردیدی وجود ندارد (بهرامی احمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۹-۱۵۰).

مشابه همین دیدگاه در شرط سقوط ضمان درک نیز دیده می‌شود. ضمان درک دربیع نیز نوعی مسؤولیت بوده که ممکن است درآینده بردوش یکی ازطرفین عقد قرارگیرد. شرط سقوط ضمان درک، شرط عدم چنین مسؤولیتی به حساب می‌آید. درمورد این شرط از لحاظ حقوقی تاجایی که با تدلیس، سوءنیت، عمد، قصد فریب و کلاهبرداری و به طورکلی مغایر با قواعد امری و اخلاق حاکم بر معاملات نباشد آن را معتبر و نافذ دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵). بنابراین شرط تحديد مسؤولیت به طورکلی قابل پذیرش است.

درمورد شرط تحديد مسؤولیت (ونه نفی کامل آن) باتوجه به ماده ۲۳۰ ق.م. تردید کمتری وجود دارد و ازحیث قانونی با اشکال خاصی مواجه نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۶-۱۱۵). البته مغایر با قواعد آمره از طریق قرارداد خصوصی قابل توافق نیست. همچنین اگر مبلغی که طرفین درخصوص میزان مسؤولیت، برآن توافق نموده‌اند باتوجه به اهمیت قرارداد آنچنان ناچیز باشد که عرف آن را درحکم شرط



عدم مسؤولیت بداند، تابع فرض پیشین یعنی شرط عدم (ونه تحدید) مسؤولیت خواهد بود و احکام آن در مورد اجرای می‌شود (بهرامی احمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲). نتیجه کلی اینکه در حقوق فعلی، به جز مواردی که برخلاف قواعد امری باشد، شرط تحدید یا عدم مسؤولیت با توجه به قواعد عمومی و مواد ۲۱۹، ۲۱۰ و ۴۳۶ قانون مدنی معتبر و لازم الاجراست (بهرامی احمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰-۱۵۱).

پس ضابطه کلی این است که در صورت ورود زیان، عامل زیان باید به میزان خسارته که وارد کرده است، جبران خسارت کند. این ضابطه کلی در موارد متعددی دستخوش تغییر می‌شود از جمله در بیمه مسؤولیت، تعیین وجه التزام، و نیز شرط کاستن یا افزودن میزان مسؤولیت. موارد یادشده را می‌توان تماماً زیر عنوان تغییر مسؤولیتها قراردادی طبقه‌بندی کرد. تغییر مسؤولیت نیز فقط در مسؤولیت قراردادی قبل تصور و توجیه است نه در مسؤولیت خارج از قرارداد، و همین امر از مهمترین عواملی است که موجب توجه به مقررات مشارکت در انگلیس برای رفع چالشهای تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی می‌شود.

۳. تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی

چون شرکت مدنی فاقد شخصیت حقوقی مستقل است، اگر در مورد مسؤولیت آن نسبت به ثالث سخنی به میان آید منظور مسؤولیت فرد فرد شرکا در برابر اشخاص ثالث است. منظور از تحدید مسؤولیت شرکت مدنی نیز تحدید مسؤولیت فرد فرد شرکاست و در بخش قبل در مورد احکام آن توضیح داده شد که مشمول قواعد عامی قرار می‌گیرد که تحدید مسؤولیت را در حقوق ایران، تجویز کرده و تا جایی که مخالف قواعد امری نباشد نافذ است، اما موارد مغایر با نظم عمومی و اخلاق، نظری

موردی که همراه باسوء نیت و تدلیس باشد و نیز تجویز ایراد عمدی خسارت، برطبق قواعد کلی نافذ نیست (کاتوزیان، ۱۲۸۹، ص ۱۱۵).

نتیجه تحلیل مذبور این است که ممکن است درشرکت مدنی یک شریک باتفاق با شخص ثالث، شرط تحديد مسؤولیت یا شرط عدم ضمان کند درحالیکه سایرشرکا توافقی باشخص ثالث نکرده باشند ومسئولیتشان طبق قاعده کلی به نسبت سرمایه وبه نحو نامحدود باشد؛ یا یک شریک بایک شخص توافق برتحدید مسؤولیت کند درحالیکه دربرابر شخص ثالث دیگر، مسؤولیت نسبی (نامحدود) داشته باشد. البته ممکن است یکی ازشرکا با اخذ نمایندگی از سایر شرکا، به نیابت ازیشان بالأشخاص ثالث توافق کند که مسؤولیت تمام شرکا محدود به مبلغی معین باشد. بنابراین در حال حاضر تنها راه ممکن برای تحديد مسؤولیت در شرکت مدنی، توافق با اشخاص ثالث است که یا یک شخص به وکالت و یا تمام شرکا به اصالت چنین توافقی انجام می‌دهند؛ اما استفاده از پیشنهادهای موجود در بخش‌های بعد مقاله، می‌تواند در تسهیل این امر، مؤثر باشد.

حال به بررسی شرط تحديد مسؤولیت شرکا ازنظر فقهی و حقوقی به طور خاص در شرکت مدنی می‌پردازیم:

۳-۱. ازنظر فقهی

علاوه بر دلایل مذکور در بخش‌های پیشین (عمومات مورد استناد در تحديد مسؤولیت)، بادقت درآرای فقهاء -شیخ طوسی، ابن ادریس، ابن زهره وجماعتی از فقهاء- (صاحب جواهر، ۱۹۸۱، ج ۲۶، ص ۳۰۰؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۱۴، ص ۱۷۳ به بعد) مشخص می‌شود آنچه درخصوص مشارکت شرکا در شرکت مدنی به نسبت سرمایه گفته شده مربوط به تقسیم سودوزیان میان خود آنهاست ودرمورد مسؤولیت دربرابر اشخاص ثالث به نظر می‌رسد از لحاظ فقهی الزامی به مشارکت شرکا به نسبت سرمایه ایشان وجود ندارد. پس اولاً ممکن است شرکا به گونه‌ای



دیگر برای تقسیم مسؤولیت دربرابر اشخاص ثالث میان خود توافق کند. ثانیاً ممکن است با توافق شرکا با اشخاص ثالث به تحدید مسؤولیت دربرابر ایشان مبادرت شود و این نکته با آنچه درخصوص تقسیم زیان شرکای شرکت مدنی بیان شده، منافاتی ندارد. از همین رو دراستفتائات به عمل آمده درباره تحدید مسؤولیت شرکا در برابر اشخاص ثالث، برخی فقهای معاصر برای این مورد منعی قائل نشده‌اند که به مواردی از آن اشاره می‌شود: پاسخ آیت الله مکارم شیرازی (شماره سؤال ۹۳۰۷۱۳۰۰۴۳ مورخ ۱۷ مهر ۱۳۹۳): «درصورتی که به طور جدی توافق کند مانع ندارد»، مرحوم آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی (شماره سؤال ۰۰۱۰۷۴۵ مورخ ۱۸ آبان ۱۳۹۳): «شرکای شرکت مدنی می‌توانند با شخص ثالث مربوط توافق کند و حد مسؤولیت وضمان خود را محدود کند. البته این تحدید مسؤولیت نباید مسؤولیت سایر شرکا را اضافه کند، مگر آنکه سایر شرکا چنین توافقی را بپذیرند»؛ و آیت الله سید موسی شیری زنجانی (شماره سؤال ۱۴۰۳۲ مورخ ۲۹ فروردین ۱۳۹۴): «شرط مذکور جایز است» (به نقل از عیسائی تفرشی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۳).

تحدید مسؤولیت شرکا نسبت به اشخاص ثالث به علت فقدان شخصیت حقوقی شرکت مدنی، تابع احکام تحدید مسؤولیت شخص حقیقی منفرد دربرابر شخص ثالث است و تا آنجاکه به قواعد امری خدشه‌ای وارد نکند، معتبر است. این مطلب با نظرات فقهی ابراز شده مطابقت دارد.

درصورت تحدید مسؤولیت، تا جایی‌که یک شریک به طور کامل از مسؤولیت (که در حقیقت نوعی ارزیان است) معاف نشود، چنین توافقی معتبر است اما معافیت کامل یک شریک از مسؤولیت طبق نظر غالب باذات شرکت منافات دارد، اگرچه برخی آن را صحیح می‌دانند (موسوی اردبیلی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۷۹؛ یزدی، ۱۳۴۸، ص ۲۸۳). چنانچه میزان مسؤولیت مورد توافق برای یک یا چند نفر از شرکا، به قدری ناچیز

باید که عرف آن را عدم مسؤولیت محسوب کند، نیز باید فرض را تابع شرط عدم مسؤولیت شریک دانست (بهرامی احمدی، ۱۲۸۶، ص ۱۴۳).

۲-۳. از نظر حقوقی

باتوجه به توضیحات قبل و اینکه تحديد مسؤولیت در شرکت مدنی، مشمول قواعد کلی تحديد مسؤولیت اشخاص است، معلوم می‌شود این عمل ازلحاظ حقوقی منعی ندارد (عیسائی تفرشی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۳).

ممکن است در شرکت مدنی با شخص ثالث جهت تحديد مسؤولیت توافق نشود اما در شرکت‌نامه به مسؤولیت محدود شرکا تصریح شود. چنین تصریحی را نباید نسبت به ثالث مؤثر دانست. توافق بعدی شرکا بین خود برای تغییر در مسؤولیت نیز نسبت به ثالث اعتبار ندارد. مبنای این سخن را می‌توان حفظ حقوق اشخاص ثالث واصل نسبی بودن قراردادها دانست و برهمین اساس می‌توان گفت توافق بعدی شرکا برای تغییر در مسؤولیت خود، تنها بین خود شرکا معتبر است و قابلیت استناد در برابر اشخاص ثالث ندارد. این نتیجه با توجه به اصول وضوابط کلی اعتبار قراردادها نسبت به طرفین، حاصل می‌شود.

باتوجه به مطالب بیان شده در باب تحديد مسؤولیت و مشمول عمومات نسبت به آن، در صورت توافق بین اشخاص، ممکن است همین مسؤولیت محدود هم به گونه‌ای بین شرکا تقسیم شود که الزاماً متناسب با میزان سرمایه نباشد. همچنین می‌توان میزان مسؤولیت را به جای مبلغ سرمایه، محدود به مبلغی دیگر (بیشتر یا کمتر از آن) دانست یا حتی شرط عدم مسؤولیت کرد. تمام این فروض تابع قواعد عمومی و تاجایی که با قواعد آمره و مرتبط با نظم عمومی در تعارض نباشد، معتبر است.

۳-۳. مزایا

مسؤولیت شرکا در شرکت مدنی اصولاً مسؤولیتی نامحدود و به نسبت سرمایه آنهاست. این مسؤولیت نامحدود، شرکا را تا مبلغی نامشخص در معرض دیونی قرار می‌دهد که ممکن است بر ذمه شان مستقر شود و چه بسا ایجاد این دین نه ناشی از عمل خود شخص، بلکه به جهت اعمالی باشد که شریک او انجام داده است؛ لذا مسؤولیت نامحدود چنان خواهایند شرکا نیست. محدود شدن مسؤولیت شرکا تامبلگی معین برای شرکای شرکت مدنی ایجادآسودگی خاطر می‌کند که با فراغ بیشتر به سرمایه‌گذاری در قالب شرکت مدنی بپردازند و ممکن است باعث افزایش سرمایه‌گذاریهای اشخاص در این قالب شود و در توسعه فعالیتهای اقتصادی و رونق کسب وکار مؤثر باشد.

۴-۳. چالشها

تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی، اگرچه از لحاظ حقوقی امکان پذیر است، اما به واسطه فقدان شخصیت حقوقی، پیش‌بینی این امر بین شرکا در شرکت‌نامه یا جای دیگر صرفاً توافقی بین خود شرکاست و نمی‌تواند نسبت به ثالث قابل استناد باشد. برای تحدید مسؤولیتی که در برابر ثالث قابل استناد باشد، توافق موردی و جدگانه با تمامی اشخاص ثالث ضروری است. همچنین پذیرش آن در مسؤولیت غیرقراردادی امکان‌پذیر نیست، چراکه در اینجا توافق با شخص ثالث (زیاندیده) صورت نگرفته است. پس ضروری است برای این چالشها نیز تمهداتی اندیشیده شود. در بخش بعد در این مورد بیشتر بحث خواهد شد.

همچنین اگر میزان مسؤولیت بعداً با توافق بین شرکا تغییر یابد، این تغییر نمی‌تواند در برابر ثالث قابل استناد باشد. راه تحدید مسؤولیت توافق بالاشخاص ثالث به

صورت موردنی است، نه اینکه باتوافق شرکا باهم، بتوان مسؤولیت آنها را محدود کرد. در مواردی که شرکا اقدام به ثبت شرکت کرده‌اند، اگر پس از ثبت، میزان مسؤولیت خود را محدود کنند یا در نحوه مسؤولیت خود تغییری بدهند این توافق نسبت به اشخاص ثالث تأثیری ندارد، مگر اینکه شرکا جداگانه با شخص ثالثی توافق کرده باشند که در این صورت تنها نسبت به همین شخص مؤثر است.

۴. بهره گیری از احکام مشارکت (پارتنرшиپ) در حقوق انگلیس برای رفع چالش‌های تحدید مسؤولیت در حقوق ایران

یک نهاد حقوقی که در کامن لا درکنار نهاد شرکت^۱ برای فعالیتهای اقتصادی و بازرگانی مورد استفاده قرار می‌گیرد نهاد مشارکت (پارتنرшиپ) است. عناصر اصلی در تعریف پارتنرшиپ عبارت است از: کسب و کار، اداره اشتراکی و قصد انتفاع (Morse, 2015, p.1). مشارکت اصولاً باید با مداخله تمام شرکا اداره شود هرچند این مداخله به صورت اداره محدود باشد^۲. به استثنای مشارکت محدود که در آن شرکای محدود مداخله‌ای در اداره ندارند. طبق عرف قضایی انگلیس^۳ در صورت وجود این عناصر اساسی، عنصر دیگری در تحقق مشارکت ضرورت ندارد.^۴ بحث تفصیلی از اوصاف این نهاد، قابلیت‌های آن و تفاوت‌های آن با نهاد شرکت^۵، خارج از موضوع این مقاله است. در اینجا فقط با توجه به کاربردهای احکام این نهاد حقوقی در تحقیق هدف تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی تا حدی که در این زمینه کمک کننده باشد، به این نهاد حقوقی می‌پردازیم.

1. company

2. *Rowlands v Hodson* [2009] EWCA 1025

3. *Dollar Land (Cumbernauld) Ltd v CIN Properties Ltd*

4. *Dollar Land Ltd v. CIN Properties Ltd* 1996 SLT 186, CS (OH).

5. مزایایی چون انعطاف مقررات مالی و اساسی، و نیز مالیات و مزایای اختنا.



نهاد مشارکت (پارتnerشیپ) در کامن لا و از جمله در حقوق انگلیس دارای اقسامی است که از جنبه‌های مختلف و به ویژه مسؤولیت اعضا با هم تفاوت‌هایی دارند. نوع عادی مشارکت فاقد شخصیت حقوقی است که اعضای آن در مقابل دیون و تعهدات مسؤولیت مشترک و گاه تضامنی دارند (Articles 1&9-12 of 1890 Act). مشارکت اصولاً فاقد شخصیت است و خودش رابطه‌ای میان اشخاص محسوب می‌شود. با این حال در حقوق انگلیس برای آن نوعی شخصیت عملی درنظر گرفته‌اند و از جمله می‌تواند دارای اسم باشد؛ یا اموال شرکا که در این راستا سرمایه‌گذاری کردده‌اند به عنوان دارایی پارتnerشیپ محسوب می‌شود (Reform of Partnership Law: The Economic Impact, April 2004).

قانون پارتnerشیپ ۱۸۹۰ بین ماهیت مسؤولیت شرکا در مقابل دیون و تعهدات در یک سو و نسبت به زیانهای قهری^۱، جرایم و سایر خطاها از سوی دیگر، تفاوت آشکاری قائل شده. بخش ۹ این قانون مقرر داشته هر شریک در بنگاه در مقابل دیون و تعهدات بنگاه که در زمان شراکت او تحمیل شده مشترکاً^۲ با سایر شرکا مسؤول است. از جهت دیگر بخش ۱۲ مقرر داشته هر شریک طبق بخش‌های ۱۰ و ۱۱ متضامناً با سایر شرکا برای هر امر که بنگاه در زمان شراکت او مسؤول شده؛ مسؤول خواهد بود. باید توجه داشت مسؤولیت مشترک^۳ در اینجا با مسؤولیت نسبی در حقوق ایران تفاوت دارد و در مسؤولیت مشترک نیز شریک مسؤول پرداخت کلیه دیون است؛ لذا این پرسش به میان می‌آید که تفاوت این نوع مسؤولیت، با مسؤولیت تضامنی^۴ در چیست.

-
1. torts
 - 2 . jointly
 - 3 . joint liability
 4. joint and several liability

فرق این دو نوع مسؤولیت این است که اگر مسؤولیت، مشترک باشد خواهان فقط یک سبب طرح دعوا^۱ علیه تمام شرکا نسبت به هر دین یا قرارداد می‌تواند داشته باشد. در پروندهای^۲ آثار این این امر تشریح شده است. در این پرونده طبکار علیه تمام اعضای آشکار^۳ بنگاه طرح دعوا کرد. او نتوانست تمام طلب را وصول کند و زمانی که متعاقباً فهمید شریک ثروتمند پنهان^۴ وجود دارد تصمیم گرفت علیه او طرح دعوا کند تابقیه دین پرداخت شود. مجلس اعیان تصمیم گرفت چون دین، فقط یک دین مشترک بوده و او شرکای ظاهری را برای طرح دعوا انتخاب کرده است نمی‌تواند دعوایی تازه علیه شریک دیگر طرح کند. درحالی که چنین محدودیتی در مسؤولیت موجوددر بخش ۱۲ که مسؤولیت تضامنی است و هر شریک ممکن است تا پرداخت کامل تحت تعقیب قرار گیرد، اعمال نمی‌شود. در این مورد خواهان هرگز به خوانده‌هایی که انتخاب کرده محدود نمی‌شود.

بی عدالتی تصمیم در پروندهای^۵ تا حدی با الزام به افشاء نام شرکا، و تا حدی با قواعد عملی که طبکاران را مجاز به تهیه لیست شرکا در شرایطی خاص می‌سازد، جبران شد (Morse, 2015, P.150); اما در نهایت تا جایی به مسؤولیت مدنی مربوط است این امر به بخش ۳ قانون مسؤولیت مدنی (سرمایه گذاری) ۱۹۷۸ سپرده شده، که مقرر می‌دارد: دادرسی در مورد شخص مسؤول در قبال دیون یا خسارات، مانع طرح دعوا یا مانع از استمرار دعوا علیه هر شخص که مشترکاً مسؤول با آن شخص در قبال همان دین یا خسارت باشد، نخواهد بود (Civil Liability (Contribution) Act 1978, s3).

1. cause of action
2. *Kendall v Hamilton*
- 3 . obvious members
- 4 . wealthy dormant partner
- 5 . *Kendall v Hamilton*



درخصوص مسؤولیت هزینه‌ها و مخارج^۱ در پرونده‌ای^۲ اظهار شد اگر عمل تقصیرآمیز از سوی یک شریک یا شرکا در طی جریان امور^۳ بوده، مسؤولیت شریک دیگر به خاطر آن شریک یا شرکا افزایش نمی‌یابد.

نوع دیگر موسوم به مشارکت محدود^۴ دارای دو دسته شریک، و مسؤولیت شرکای عادی^۵ به صورت تضامنی، و مسؤولیت شرکای محدود^۶ تامیزان آورده و سرمایه گذاری ایشان است (Article 4.1907 Act). سرانجام نوع دیگر مشارکت یعنی مشارکت با مسؤولیت محدود^۷ دارای شخصیت حقوقی و مسؤولیت این نوع نیز به میزان سرمایه خود مشارکت است (Article 1, 2000 Act) و می‌توان گفت در قسم اخیر خود مشارکت که یک شخص محسوب می‌شود در مقابل دیون و تعهدات، مسؤولیت دارد نه شرکا. این قسم مشارکت از لحاظ تأثیر چیزی مابین شرکت و پارتnerشیپ محسوب می‌شود .(Morse, 2015, P.2)

بررسی احکام مشارکت عادی-چون شرکا مسؤولیت نامحدود دارند- از بحث مخارج است، اما احکام دو قسم دیگر (مشارکت محدود و مشارکت با مسؤولیت محدود) می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد چراکه در این اقسام مشارکت، مسؤولیت شرکا در مقابل اشخاص ثالث ممکن است محدود شود.

استفاده از احکام مشارکت (پارتnerشیپ)، برای نیل به هدف تحدید مسؤولیت در دو قسمت قابل بحث است: یکی استفاده از احکام مشارکت محدود و دیگری استفاده از احکام مشارکت با مسؤولیت محدود در حقوق ایران.

-
1. Liability for costs
 - 2 . *Ontario Realty Corporation v Gabriele & Sons Ltd*
 - 3 . proceedings
 4. limited partnership
 5. general partners
 6. limited partners
 7. limited liability partnership

لازم به ذکر است هرکدام از راه حل‌های فوق، خود به دو شکل قابل اعمال در حقوق ایران است: یکی اینکه نهادهای حقوقی مشابه مشارکت در حقوق انگلیس، در حقوق ایران نیزبه مثابه نهادی مستقل به رسمیت شناخته شود و مورد استفاده قرار گیرد که چنانکه توضیح خواهیم داد این امر با موازین شرع و قانون اساسی نیزمنافات ندارد و چنین تأسیس حقوقی می‌تواند در صورت تصویب قانون برای فعالیتهای اقتصادی مورداستفاده قرارگیرد. در این صورت نیازی به شناسایی احکام جدید برای شرکت مدنی در حقوق ایران نیست، بلکه اشخاص می‌توانند با توجه به تفاوت‌هایی که از نظر مسؤولیت بین نهادهای شرکت مدنی، شرکت تجاری و نیز نهاد مشارکت وجود دارد و فراخور نیازها و اهداف خود یکی را انتخاب و فعالیت اقتصادی خود را در یکی از این قالبها ساماندهی کنند. راه دوم استفاده از احکام این نهادهای حقوقی در حقوق ایران بدون تأسیس نهاد مستقل پارترشیپ است. یعنی از مزیتهای این نهاد (از جمله تحدید مسؤولیت) در حقوق داخلی بهره گرفته شود بدون این که چنین نهاد حقوقی جدیدی تأسیس گردد. بدین منظور می‌بایست از احکام نهاد پارترشیپ، در نهادهای حقوقی موجود استفاده شود و از آن‌جاکه در حقوق ایران شرکت مدنی شیوه‌ترین نهاد به مشارکت(پارترشیپ) است، می‌توان از احکام نهاد پارترشیپ و از جمله تحدید مسؤولیت شرکا، در شرکت مدنی استفاده کرد.

۴-۱. استفاده از احکام مشارکت(پارترشیپ) محدود در حقوق ایران

در مشارکت محدود دوسته شریک وجود دارد: شرکای عادی با مسؤولیت نامحدود تضامنی، و شرکای محدود که در حدود آورده‌خود مسؤولیت دارند. تعیین عادی یا محدود بودن شریک درابتدا و با توافق بین شرکا صورت می‌گیرد. ثبت مشارکت محدود الزامی است و اشخاص ثالث می‌توانند از موارد فوق مطلع شوند



(Articles 4&8, Limited Partnership Act 1907). این نوع مشارکت اکنون بیشتر برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری پرخطر^۱ مورد استفاده قرار می‌گیرد (Morse, 2015, P.299). اکثر قوانین قابل اعمال نسبت به پارتnerشیپ عمومی نسبت به پارتnerشیپ محدود هم اعمال می‌شود، مگر در مواردی که قانون مشارکت محدود ۱۹۰۷ به نحو مغایر پیش بینی کند (Ibid, p.300). در انگلیس پارتnerشیپ محدود، شخصیت حقوقی ندارد و شرکای عمومی^۲ دقیقاً در وضعیت شرکای معمولی^۳ هستند (Farwell J در Barnard [1932] Ch 269).

در این نوع مشارکت دو مزیت توأم مورداستفاده قرار گرفته: از یک سو برای شرکایی که بیم در معرض مسؤولیت نامحدود قرار گرفتن آنها را تهدید می‌کند، امکان تحدید مسؤولیت تا حد آورده‌ایشان پیش بینی شده و از جهت دیگر برای اشخاص ثالثی که می‌خواهند طرف معامله قرار گیرند و بیم این دارند در صورت به بار آمدن بدھی، به تمام طلب خود نرسند، پیش بینی شده شرکای عادی که اداره کننده مشارکت هستند، دارای مسؤولیت تضامنی باشند و پرداخت کلیه دیون را از دارایی‌های شخصی خود تقبل کنند (Article 4 of limited partnership 1907).

به نظر می‌رسد امکان استفاده از هر کدام از دو مزیت فوق در شرکت مدنی وجود دارد.

در باب تحدید مسؤولیت شرکایی که تمایل ندارند مسؤولیت زاید بر سرمایه داشته باشند، چنانکه گفتم تحدید مسؤولیت طبق حقوق ایران قابل پذیرش است، لذا ممکن است برخی شرکای شرکت مدنی دست به این تحدید مسؤولیت زنند. البته این

-
1. venture capital projects
 2. general
 3. ordinary partners

محدودسازی مسؤولیت منوط به توافق با اشخاص ثالثی است که طرف معاملات قرار می‌گیرند.

همچنین ممکن است فقط عده‌ای از شرکا مسؤولیت محدود را برگزینند و عده دیگر، مسؤولیت نامحدود داشته باشد که تضمین کننده پرداخت طلب طلبکاران باشد. بنابراین در اینجا نیزبا مشکلی مواجه نیستیم، ولی باید توجه داشت مسؤولیت نامحدود به دو شکل نسبی و تضامنی قابل تصور است. در حقوق ایران مسؤولیت نامحدود شرکا در شرکت مدنی اصولاً به نسبت سرمایه یعنی مسؤولیت نسبی است، در حالی که در حقوق انگلیس، مسؤولیت شرکای عادی در مشارکت محدود، به صورت تضامنی درنظر گرفته شده است. این که آیا در حقوق ایران نیزمی توان مسؤولیت شرکارا افزایش داد و به مسؤولیت تضامنی تبدیل کرد یا خبر خارج از موضوع مقاله حاضر است و می‌تواند موضوع تحقیقات دیگری باشد، هرچند از نظر تحلیلی این مسؤولیت نامحدود، به هردو شکل نسبی و تضامنی قابل تصور است.

در حقوق انگلیس در مشارکت محدود، امکان تحدید مسؤولیت تمام شرکا پیش‌بینی نشده و در هر حال باید شریک یا شرکای عادی وجود داشته باشد که مسؤولیت دیون مازاد را ازدارایی خود بر عهده گیرند اما در حقوق ایران چنانچه کلیه شرکای شرکت مدنی بر محدودیت مسؤولیت خود با اشخاص ثالث توافق کنند، این توافق معتبر و صحیح است (رجوع به شماره‌های ۱-۳ و ۲-۳ همین مقاله). البته در این مورد نیز نمی‌توان در مسؤولیت‌های خارج از قرارداد به تحدید مسؤولیت استناد کرد؛ زیرا توافقی با اشخاص ثالث (زیان‌دیدگان) وجود نداشته و با توجه به عدم شخصیت حقوقی شرکت مدنی، بحث از مسؤولیت، چیزی جز مسؤولیت اعضا (شرکا) در برابر ثالث نیست که آن هم در صورت عدم توافق به نحو مغایر، علی القاعده به صورت مسؤولیت نامحدود خواهد بود؛ بنابراین در صورت ورود خسارت، شرکا دارای مسؤولیت نامحدود در برابر خسارت دیدگان هستند.



جدا از بهره‌گیری احکام مشارکت محدود در شرکت مدنی، امکان شناسایی مستقل نهاد مشارکت محدود در حقوق ایران وجوددارد و از این طریق هم می‌توان از مزیتهاي چون تحدید مسؤولیت (برای شرکای موسوم به شرکای محدود) استفاده کرد. دربحث از مزیتهاي اين امر، به بررسی ايجاد مستقل نهاد مشارکت در مقاسه با استفاده از احکام آن در شرکت مدنی می‌پردازيم.

۲-۴. استفاده از احکام مشارکت(پارتنرشیپ) بامسؤولیت محدود در حقوق ایران

این نوع مشارکت از سال ۲۰۰۰ در انگلیس به رسمیت شناخته و به ایجاد نوع جدیدی از پارتنرشیپ منجر شده که برخلاف انواع دیگر، دارای شخصیت حقوقی جداگانه است و مسؤولیتش در برابر دیون و تعهداتش، محدود به سرمایه خودش است (s1, Limited). این نهاد حقوقی می‌تواند جایگزینی برای مشارکت، مشارکت محدود و شرکت سهامی خاص¹ باشد. مشارکت بامسؤولیت محدود اصولاً بر حقوق شرکتها مبتنی است و ضمناً با پارتنرشیپ دارای ارتباط است (از جمله *Re Magi Capital Partners* [LLP] 2003 EWHC 2790). مشارکت با مسؤولیت محدود نه فقط جایگزینی برای پارتنرشیپ، که برای شرکت خاص نیز هست و می‌تواند ابزاری برای جوینت ونچر باشد. (Morse, 2015, p.315). طبق بخش ۱ قانون مشارکت با مسؤولیت محدود این نوع پارتنرشیپ دارای شخصیت حقوقی -یعنی شخصیت مستقل از اعضايش- است (*BFI Optilas v Blyth* [2002] EWHC 2693, QBD) مسؤول دیونش است، و مثل یک شرکت خودش طرف قرارداد، واقع می‌شود و می

1. private company

تواند به نیابت، مسؤول اعمال نمایندگانش باشد. مشارکت بامسؤولیت محدود مثل شرکای فعالیت کننده در یک پارتnerشیپ سنتی دارای اهلیت نامحدود است. مشارکت با مسؤولیت محدود می‌تواند عضو یک شرکت باشد یا شریک پارتnerشیپ باشد که شامل شریک عمومی نیز می‌شود! آنچه بزرگترین مزیتها را برای این نوع مشارکت نسبت به پارتnerشیپ سنتی ایجاد می‌کند، شخصیت حقوقی است، اگرچه درازای دریافت این مزیت، مشارکتهای بامسؤولیت محدود ملزم به افشاءی حسابهایشان هستند؛ چراکه مشارکت با مسؤولیت محدود برخلاف مشارکت عادی باید حسابهایش را به ثبت بدهد که در این صورت قابل وارسی خواهد بود (Morse, 2015, p.333).

اصولاً اعضاء مسؤولیتی نسبت به دیون یا مسؤولیتهای مشارکت بامسؤولیت محدود ندارند مگر در موارد استثنای اما این امر اعضا را از هرگونه مسؤولیت شخصی (مثلًاً به عنوان خطاکار) معاف نمی‌کند.^۲

استفاده از احکام این نهاد در حقوق ایران از دو طریق امکانپذیر است: یک راه به رسمیت شناختن و پذیرش این نهاد به عنوان یکی از اقسام مشارکت در حقوق ایران است. چنانکه گفته شد ایجاد نهاد مشارکت باموازین حقوقی ایران سازگار است و مغایرتی با قواعد آمره ندارد و می‌تواند به سان قالبی برای سامان بخشیدن به فعالیتهای اقتصادی استفاده شود. از بین انواع مشارکت، نوع با مسؤولیت محدود برای شرکا امکان انشاست سرمایه‌های تک شرکا را درکنار مزیت تحدید مسؤولیت و نیز قابلیتها و ویژگیهای دیگری در مقایسه با نهاد شرکت، مانند شفافیت مالیاتی (درنظر گرفتن آن به عنوان بخشی از دارایی شرکا که درنتیجه ازان مالیات

1. Patley Wood Farm LLP v Brake [2013] EWHC 4035 (Ch).

2 . Williams v Natural Life Health Foods Ltd & Standard Chartered Bank v Pakistan National Shipping Co (No 2) [2002] BCC 846 (HC).



مستقل اخذ نمی‌شود)، الزامات و تشریفات قانونی مخصوص خود، حداقل تعداد شرکا و حداقل میزان سرمایه وغیره فراهم می‌کند.

راه دوم اینکه بدون ایجاد نهاد مشارکت بامسؤولیت محدود درحقوق ایران، از احکام آن و از جمله تحدید مسؤولیت درحقوق ایران استفاده شود.

درمشارکت بامسؤولیت محدود، نکته اساسی داشتن شخصیت حقوقی است که همین امر منجر شده مسؤولیت این شخص به میزان سرمایه خودش باشد و به داراییهای شخصی شرکا مراجعه نشود. از این طریق می‌توان به تحدید مسؤولیت شرکا دست یافت. درحقوق ایران -که شرکت مدنی فاقد شخصیت حقوقی است- می‌توان به نوعی از شرکت مدنی اندیشید که دارای شخصیت حقوقی و مسؤولیت آن نیز به میزان سرمایه و دارایی خودش و در سایر موارد تابع قواعد و مقررات مربوط به شرکتها مدنی باشد بدون اینکه احکام شرکتها تجاری، حاکم براین نهاد شود. گفتنی است درحقوق فعلی برخی برای شرکت مدنی قائل به شخصیت حقوقی شده (صفار، ۱۳۹۰، ص ۲۰۰-۱۹۷) یا از عدم شخصیت حقوقی آن انتقاد کرده‌اند (اسکینی، ۱۳۹۳، ص ۴۲) بی‌آنکه سخن از تحدید مسؤولیت شرکا مطرح باشد.

اگرچنانی امکانی درحقوق ایران پذیرفته شود، شرکت مدنی ایجاد شده در عمل تفاوت چندانی با مشارکت بامسؤولیت محدود در حقوق انگلیس ندارد، هرچند ممکن است نام آن، همان شرکت مدنی، یا مشارکت مدنی و یا مشارکت مدنی بامسؤولیت محدود گذاشته شود. درنتیجه استفاده از مزایای مشارکت با مسؤولیت محدود در حقوق ایران، چه با ایجاد این نهاد حقوقی باشد و چه با استفاده از احکام آن در شرکت مدنی، در عمل تفاوت چندانی ندارد.

۴-۳. مزایا و قابلیتهای تأسیس نهاد مشارکت(پارتнерشیپ) در مقایسه با تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی

استفاده از احکام مشارکت، امکان بهره‌مندی از مزایای این تأسیس حقوقی را فراهم می‌کند. مزایای مترتب براین نهاد حقوقی متعدد است؛ مزایا و قابلیتهایی به لحاظ کارکرد مالیاتی، حداقل سرمایه، حداقل تعداد شرکا، تشریفات تشکیل و ثبت، مسؤولیت شرکا و مانند آن. در این مقاله فقط مزیت تحدید مسؤولیت شرکا نسبت به اشخاص ثالث مورد نظر است و در این خصوص به مقایسه قابلیتهای تحدید مسؤولیت در قالب مشارکت در مقایسه با انجام این امر در شرکت مدنی می‌پردازیم.

۴-۳-۱. عدم لزوم توافق با اشخاص ثالث و امکان استفاده در مسؤولیتهای قهری

۴-۳-۱-۱. عدم لزوم توافق با اشخاص ثالث

مزیتی که در ایجاد نهاد مشارکت در مقایسه با تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی وجود دارد این است که با توجه به لزوم ثبت مشارکت محدود و نیز برخورداری مشارکت بامسؤولیت محدود از شخصیت حقوقی، اشخاص ثالث، آگاه از تحدید مسؤولیت فرض خواهند شد و بنابراین برخلاف تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی، در مشارکت، شرکا از توافقهای صریح موردي بنياز می‌شوند و فقط کافی است در ابتدای تشکیل وهنگام ثبت، به محدود بودن مسؤولیت خود در برابر اشخاص ثالث تصریح کنند. در مشارکت بامسؤولیت محدود به علت شخصیت حقوقی مستقل، حتی نیازی به تصریح وجود ندارد و تحدید مسؤولیت در ذات آن وجود دارد.

۴-۳-۱-۲. امکان استفاده در مسؤولیتهای قهری

مشارکت بامسؤولیت محدود به دلیل برخورداری از شخصیت حقوقی جداگانه، مسؤولیت تمامی دیون را در برابر اشخاص ثالث برعهده دارد. در نتیجه در مسؤولیت-



های خارج از قرارداد نیز اگر خساراتی به بار آید، شخص مشارکت بامسؤولیت محدود عهده دار جبران خسارت است و شرکا در این میان مسؤولیتی ندارند. در حالیکه در شرکت مدنی (به فرض تحدید مسؤولیت) چنین امکانی فراهم نیست. بنابراین استفاده از قالب مشارکت بامسؤولیت محدود، در مقایسه با تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی، تضمین، تأمین و آسودگی خاطر بیشتری برای شرکا فراهم می‌سازد و بیشتر به نفع آنهاست لذا ممکن است در ترغیب ایشان به سرمایه‌گذاری برای فعالیت‌های اقتصادی، مؤثرتر و کارآتر باشد.

در مشارکت محدود هم، چنانچه از امری خارج از قرارداد، زیانی وارد شود، اگر این زیان قابل انتساب به یک شریک خاص نباشد بلکه بتوان آن را به مجموع شرکای پارتنرшиپ مناسب دانست؛ به علت وجود شرکای عادی بامسؤولیت نامحدود، همین دسته از شرکا مسؤولیت مازاد بر سرمایه را بر عهده دارند و شرکای محدود مسؤولیتی زاید برآورده نخواهند داشت. در عمل هم همیشه شرکای عادی اداره امور را در دست دارند و ورود خسارت قابل انتساب به آنهاست. پس در مشارکت محدود از مزیت تحدید مسؤولیت برای شرکای محدود در الزامات خارج از قرارداد نیز می‌توان بهره‌مند شد^۱، درحالی که در تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی این امکان فراهم نیست.

۴-۳-۲. فراهم نمودن پاسخ مناسب برای نیازهای شرکابا انگیزه‌های مختلف و نیز تأمین و تضمین برای اشخاص ثالث

یکی از مزایای تحدید مسؤولیت با ایجاد نهاد مشارکت محدود، فراهم ساختن زمینه مشارکت کردن دو دسته شریک با اهداف متفاوت در فعالیت اقتصادی است. از یک سو برای شرکایی که خواهان خطر کمتر در معامله هستند زمینه سرمایه‌گذاری

۱. برای مشاهده دیدگاه متفاوت رجوع شود به شماره ۴-۴ همین مقاله.

بامسؤولیتی درحدود آورده فراهم می‌شود و نیز برای شرکای فعالتر که اداره امور را دردست می‌گیرند مسؤولیت نامحدود درنظرگرفته می‌شود و از این طریق مزیت دیگر یعنی تضمین بیشتر برای طرفهای معامله واشخاص ثالث، تأمین می‌شود.

۴-۳-۳. عدم مغایرت باموازین شرع و قانون اساسی

تحدید مسؤولیت شرکا با تأسیس نهاد پارتنرшиپ در صورتی که همراه باسوء نیت، قصد فربیض و نینرنگ و تعمد در اضرار به سایرین نباشد، باموازین شرع و قانون اساسی، همچنین با قواعد امری والزمات نظم عمومی و اخلاق حسنمنافات و مغایرتی ندارد ولذا پذیرش آن در حقوق ایران بلاشكال است. در بخش پیشین در این باره توضیح داده شد.

۴-۳-۴. قابلیت پذیرش در حقوق ایران به عنوان نهاد حقوقی جدید

نهاد مشارکت در حقوق انگلیس برای امور اقتصادی، کسب درآمد و ایجاد رونق به عنوان یک قالب سرمایه‌گذاری و همکاری اشخاص با یکدیگر در کنار راه حل‌های دیگر مانند تجارت انفرادی و تجارت در قالب شرکت‌ها به کار می‌رود. این نهاد حقوقی بنفسه قابلیت پذیرش در حقوق ایران به عنوان راهکاری جهت سرمایه‌گذاری دارد؛ بنابراین می‌توان از احکام مربوط به این نهاد حقوقی در حقوق ایران نیز بارعایت جنبه‌های الزام آور و آمرانه، استفاده کرد.

۴-۴. محدودیتها

۴-۴-۱. لزوم رعایت قواعد آمره، موازین شرع و قانون اساسی

در تحدید مسؤولیت، الزامات ناشی از قواعد آمره و مرتبط با نظم عمومی و موازین قانون اساسی باید مراعات شود. در اصل چهارم قانون اساسی به لزوم انطباق کلیه قوانین و مقررات کشور باموازین اسلامی تأکید شده است. بنابراین اگر مصوبه



مجلس شورای اسلامی، تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی و یا ایجاد نهاد حقوقی جدید مشارکت را به تأسی از حقوق انگلیس تجویز کند الزامات شرع باید رعایت شود. البته به اعتقاد ما تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی یا ایجاد نهاد مشارکت (پارتnerشیپ)، منافاتی بافقه اسلامی و قانون اساسی ندارد وتابع قواعد عمومی واحکام کلی تحدید مسؤولیت است. پیشتر به استفتائاتی از فقهای معاصر در این زمینه اشاره شد. تنها در صورتی که این تحدید مسؤولیت دستاویزی جهت کلاهبرداری، نیرنگ، تدلیس و فریب و عاملی جهت اضرار عمده به دیگران باشد به موجب قواعد عمومی و اخلاق حاکم بمعاملات و روابط حقوقی اشخاص (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵)، منع اکل مال غیربه باطل (آیه ۱۸۸/بقره؛ آیه ۲۹/نساء) و داراشدن بلاجهت وغيرعادلانه (مواد ۲۵۶، ۳۰۱، ۳۰۲ و ۳۳۶ ق.م؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲ به بعد) واصل منع سوء استفاده از حق (اصل چهلم ق.ا.ج.ا.، ماده ۱۳۲ ق.م؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۵، ص ۸۶) ممنوع است و نمی‌تواند منشأ اثر شود. درنتیجه توافق در چنین مواردی باطل و بلااثر است.

۴-۳-۲. عدم امکان تحدید مسؤولیت درضمان قهری چنانچه مشارکت (پارتnerشیپ) فاقد شخصیت حقوقی باشد

در مسؤولیت‌های خارج از قرارداد چون باطرف مقابل توافقی صورت نپذیرفته، تحدید مسؤولیت متغیر است و عامل زیان باید مطابق قواعد کلی مسؤولیت مدنی واصل جبران کامل خسارت، زیان را جبران کند؛ لذا اگر در خلال کارااقتصادی مشارکت (پارتnerشیپ) حادثه‌ای رخ دهد وزیانی به شخص ثالثی وارد شود که قابل انتساب به مجموع شرکا باشد، شرکای مذکور مکلف به جبران تمام خسارت وارد شده-حسب مورد به تناسب نقش خود در رورود زیان، به تساوی، به تضامن و غیره- هستند و نمی‌توانند در برابر زیاندیده به تحدید مسؤولیت خود استناد کنند. اگرچه قائل شدن به

مسئولیت محدود برای شرکای محدود با توجه به توضیحاتی که دربخش قبل دادیم خالی از قوت نیست مخصوصاً باعنایت به اینکه این شرکا دراداره امور مداخله ندارند حتی با معیار قابلیت انتساب در مسئولیت مدنی، به دشواری می‌توان زیان را به ایشان نسبت داد.

تحلیل فوق درفرضی است که جمع حاضر برای فعالیتهای اقتصادی، قادر شخصیت حقوقی مستقل از شرکای تشکیل دهنده باشد، اما چنانچه چنین جمیع دارای شخصیت حقوقی باشد (مانند مشارکت بامسئولیت محدود)، و از فعالیتهایش به سایرین زیانی وارد آید که بتوان این زیان را به شخص مذکور منتب کرد، مسئولیت نیز بر عهده همین شخص حقوقی مستقرخواهد شد. اگرچه از لحاظ تحلیلی طبق قواعدکی، عامل زیان مکلف به جبران تمام خسارت است و دراین باب مسئولیت نامحدود دارد؛ اما اگر شخص اخیر به علت فقدان یادمن کفایت دارایی نتواند تمام خسارت را جبران کند، نمی‌توان مسئولیت او را بر عهده دیگران نهاد، چون این امر نیز خلاف قواعد وضوابط است (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۴۱). بنابراین چنین فرضی شبیه موردی است که شخص طبیعی به دیگری زیانی واردکرده اما به علت ورشکستگی یا اعسار، امکان جبران تمام خسارت را ندارد.

درمشارکت با مسئولیت محدود می‌توان گفت شرکا تنها تاحد آورده خودممکن است به علت مسئولیتهای خارج ازقرارداد، متضرر شوند نه بیش ازآن. پس می‌توان گفت درمشارکتها واجد شخصیت حقوقی، شرکا درالزامات خارج ازقرارداد نیز دارای مزیت مسئولیت محدود به میزان آورده هستند.

۵. نتیجه گیری

درشرکت مدنی مشهور فقهاء معتقدند تقسیم سود و زیان باید به نسبت سرمایه شرکا انجام شود. همین دیدگاه درقانون مدنی ایران انعکاس یافته است. درین زمینه مسائلی قابل بررسی است: اولاً آیا امکان توافق شرکا برخلاف آن وجوددارد؟ ثانياً



آیا قاعده تقسیم زیان به نسبت سرمایه، شامل مسؤولیت درقبال اشخاص ثالث نیز می‌شود یا تنها به زیان ناشی از معاملات شرکا مربوط است؟ اگر پاسخ این پرسشها مثبت باشد، پرسش سومی مطرح می‌شود: آیا توافق بر نحوه دیگری از تقسیم مسؤولیت بین شرکا، فقط به روابط میان شرکا با هم مربوط می‌شود یا دربرابر اشخاص ثالث نیز قابل استناد است؟ و پرسش چهارم اینکه آیا می‌توان به کلی مسؤولیت مجموع شرکا را دربرابر اشخاص ثالث با توافق ایشان محدود کرد یا خیر؟ درمورد نخست به این نتیجه رسیدیم تقسیم سودوزیان به نسبت سرمایه درصورتی اعمال می‌شود که توافق مغایری در بین نباشد و نظر مشهور فقهی نیز مورد اطلاق قرارداد را بیان کرده است و اگر مغایر قواعد آمره (مانند منع اکل مال غیر به باطل) نباشد شرکا می‌توانند نحوه تقسیم سود وزیان را آن طورکه مورد نظر خودشان است قرار دهند. درمورد دوم اصولاً مسؤولیت دربرابر ثالث نوعی زیان محسوب می‌شود و درنتیجه تقسیم این مسؤولیت نیز در صورت اطلاق، باید به نسبت سرمایه شرکا صورت گیرد. درمورد پرسش سوم، این نتیجه حاصل شد که شرکا درخصوص نحوه تقسیم مسؤولیت دربرابر ثالث می‌توانند با خود توافق کنند این مسؤولیت به نحو دیگری تقسیم شود اگرچه این توافق بنا به اصل نسبی بودن قراردادها صرفاً بین خودشرکا معتبر وقابل استناد است ولی درصورت توافق شرکا با اشخاص ثالث، امکان استناد به قرارداد در برابر ایشان نیز وجوددارد؛ چون به دلیل عدم شخصیت حقوقی شرکت مدنی، تحدید مسؤولیت شرکا مشمول قواعد عمومی مربوط به تحدید مسؤولیت اشخاص در قبال اشخاص ثالث است، پس پاسخ پرسش چهارم نیز مشخص می‌شود که شرکا می‌توانند با توافق با اشخاص ثالث به کلی مسؤولیت نامحدود خود را تبدیل به مسؤولیتی محدود مثلًاً درحدود سرمایه و آورده یامبلغی بیشتریا کمتر از آن کنند که این مورد دربرابر ثالث نیز قابل استناد است. چنان‌که در بخش ۱-۳ این مقاله گفته شد برخی از فقهای معاصر (حضرات

آیات موسوی اردبیلی، مکارم شیرازی و شبیری زنجانی) چنین نظری دارند؛ البته باید توجه داشت برای نیل به این هدف، توافق با اشخاص ثالث ضروری است و لزوم این توافق ممکن است چالشی برسر راه شرکا در زمینه تحديدمسؤولیت تلقی شود.

البته محدودیتهای دیگری هم در برابر شرکا وجود دارد از جمله اینکه علاوه بر مواردی که در مسؤولیتهای قراردادی با ثالث توافق نشده است، درضمان قهری والزمات خارج از قرارداد نیز نمی توان به چنین توافقی معتقد بود و درنتیجه تحديد مسؤولیت بی معناست.

برای رفع این چالشها استفاده از مقررات نهاد مشارکت در انگلیس (مشارکت محدود یامشارکت بامسؤولیت محدود)، درحقوق ایران پیشنهاد شد. این امر هم می تواند بارسمیت بخشیدن به نهادهای یادشده درحقوق ایران و وارد ساختن آن درحقوق داخلی باشد که با قواعد امری قانون اساسی و به تبع آن موازین شرع نیز منافاتی ندارد وهم می توان از احکام آن درشرکت مدنی برای دستیابی به اهداف مذکور استفاده کرد. اگر امکان استفاده از این قابلیتها فراهم شود باتوجه به اینکه مشارکت بامسؤولیت محدود دارای شخصیت حقوقی مستقل و مسؤولیت این شخص دربرابر اشخاص ثالث (چه مسؤولیت قراردادی و چه خارج از قرارداد) محدود به داراییهای این شخص است و شرکا، افزون برمیزان سرمایه‌گذاری خود، مسؤولیتی ندارند؛ می توان از مزیت تحديد مسؤولیت درالزمات خارج از قرارداد نیز بهره‌مند شد. در مشارکت محدود نیز مسؤولیت نامحدود بر عهده شرکای عادی است و شرکای محدود از این مزیت برخوردار خواهند بود.

جدای از آن مزایای دیگری نیز براستفاده از احکام نهاد مشارکت (پارتnerشیپ) مترتب است؛ چنانکه می توان بارسمیت بخشیدن به مشارکت محدود دو دسته شریک درشرکت مدنی درنظر گرفت و مسؤولیت عدهای که خواهان خطر کمتر هستند، محدود به آورده و سرمایه و مسؤولیت دسته دیگر که خواهان مدیریت و مداخله درمدیریت هستند، به صورت نامحدود باشد. از این طریق هم تضمینی برای شرکای

سرمایه‌گذار فراهم می‌شود و هم تضمین و تأمین برای اشخاص ثالثی که قرار است طرف معامله قرار بگیرند.

استفاده از این قابلیتها و دستاوردها در حقوق ایران می‌تواند در افزایش انگیزه اشخاص برای مشارکت با یکدیگر و سرمایه‌گذاری مشترک به منظور انجام فعالیتهای اقتصادی، ایجاد رونق کسب و کار و اکتساب درآمد مؤثر باشد و بستر حقوقی مناسب را برای این منظور فراهم سازد. البته در این صورت این نهاد کارکردهای خاص خود و متفاوت با سایر قالبهای کسب و کار مثل تاجر منفرد و شرکت مدنی خواهد داشت. اولًاً: شرکتهای مدنی می‌توانند به امور تجاری و نیز غیرتجاری بپردازنند در حالی که برای شرکتهای تجاری به جز سهامی عام و خاص، این امر مجاز نیست، ثانیاً: پارترشیپ با مسؤولیت محدود از جهاتی مثل شفافیت مالیاتی و غیره (که به آن اشاره شد)، کارکردهایی متفاوت با شرکت در حقوق انگلیس دارد و نیز در صورت ایجاد در حقوق ایران و پذیرش این قابلیتهای خاص؛ آثار آن با شرکت تجاری متفاوت است، ثالثاً: سازوکارهای اعمال اراده در این نهاد حقوقی می‌تواند با شرکتها متفاوت باشد، مسائل دیگری نیز در این زمینه مطرح می‌شود مثل تفاوت در مسؤولیت اعضا (شرکا)، تفاوت در میزان سرمایه مورد نیاز، الزام به افشاء حسابها، نحوه تشکیل، نحوه محاسبه مالیات و غیره که بررسی آن تحقیقات مفصلتر می‌طلبد. با این حال نمی‌توان انکار کرد مشابهت مشارکت با مسؤولیت محدود با نهاد شرکت تجاری در حقوق ایران و نیز نهاد شرکت در حقوق انگلیس بسیار زیاد است.

۶. منابع

۶-۱. فارسی

۱. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، شرکتهای تجاری، ج ۱، چ ۱۹، تهران، سمت، بهار ۱۳۹۳.
۲. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، ج ۲، چ ۲۵، تهران، نشر اسلامیه، ۱۳۹۳.
۳. بهرامی احمدی، حمید، سوئاستفاره از حق، چ ۴، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۵.
۴. بهرامی احمدی، حمید، حقوق مدنی ۳ کلیات عقود و قراردادها، چ ۲، تهران، میزان، ۱۳۸۶.
۵. بهرامی احمدی، حمید، حقوق مدنی ۴ مسئولیت مدنی، چ ۱، تهران، میزان، ۱۳۸۸.
۶. بهرامی احمدی، حمید، قواعدقه مختصر هفتاد و هفت قاعده فقهی حقوقی، چ ۲، تهران، میزان، ۱۳۹۰.
۷. صفایی، سیدحسین و سیدمرتضی قاسم زاده، حقوق مدنی اشخاص و محورین، چ ۲۲، تهران، سمت، پاییز ۱۳۹۵.
۸. صفار، محمدجواد، شخصیت حقوقی، تهران، بهنامی، ۱۳۹۰.
۹. عیسائی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری، ج ۱، چ ۳، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۶.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، عقود معین ۲ حقوق مدنی مشارکتها-صلح، چ ۴، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چ ۳۶، ویرایش ۴، تهران، میزان، تابستان ۱۳۹۲.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی درس‌هایی از عقود معین، ج ۱، چ ۱۲، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۹.

٦-٢. عربی

١٣. شهیدثانی، الروضۃ البھیہ فی شرح اللمعه الدمشقیه (مباحث حقوقی شرح لمعه به کوشش اسدالله لطفی)، ج ٦، تهران، مجد، ١٣٨٨.

١٤. شهیدثانی، مسالک الافهام الی تتفییح شرائع الإسلام، چاپ رحلی، بی تا.

١٥. شهید ثانی (زین الدین بن علی عاملی)، مسالک الأفهام إلی تتفییح شرائع الإسلام، ج ٤، چ ١، قم، مؤسسہ المعارف الاسلامیہ، ١٤١٣ق.

١٦. صاحب جواهر (محمدحسن نجفی)، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ٢٦، چ ٧، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ١٩٨١م.

١٧. صاحب جواهر (محمدحسن نجفی)، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ٢٧، چ ٧، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ١٩٨١م.

١٨. صاحب ریاض (سیدعلی بن محمد طباطبایی)، ریاض المسائل فی تحقيق الاحکام بالدلائل (ط - الحديث)، ج ١، چ ٩، قم، مؤسسہ آل البيت علیهم السلام، ١٤١٨ق.

١٩. علامه حلی (حسن بن یوسف بن مطهر اسدی)، قواعد الاحکام فی معرفه الحال و الحرام، ج ٢، چ ١، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ١٤١٣ق.

٢٠. علامه حلی، تذکرہ الفقهاء(حسن بن یوسف بن مطهر اسدی)، ج ١٦، چ ١، قم، مؤسسہ آل البيت علیهم السلام، ١٤١٤ق.

٢١. محقق حلی، شرائع الإسلام، طهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، ١٣٧٧ق.

٢٢. عاملی کرکی (محقق ثانی)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ٨، چ ٢، قم، مؤسسہ آل البيت علیهم السلام، ١٤١٤ق.

٢٣. موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم، فقه الشرکه علی نهج الفقه و القانون، ج ١، قم، منشورات مکتبه امیر المؤمنین، ١٤١٤ق.

۲۴. نائینی، میرزا محمدحسین، *منیه الطالب فی شرح المکاسب (تقریرات به قلم شیخ موسی خوانساری)*، ج ۲، مکتبه المحمدی، ۱۳۷۳ق.
۲۵. یزدی، سیدمحمدکاظم طباطبایی، *العروه الوثقی*، صیدا، مطبعه العرفان، ۱۳۴۸ق.
۲۶. یزدی، سیدمحمدکاظم طباطبایی، *العروه الوثقی*، ج ۲، چ ۲، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.

۶-۳. انگلیسی

Book

27. Morse, Geoffrey, *Partnership and LLP Law*, (8th edn), Oxford University Press, 2015.

Acts

28. *Partnership Act 1890*
29. *limited partnership Act 1907*
30. *Civil Liability (Contribution) Act 1978*
31. *limited liability partnership Act 2000*
32. *Reform of Partnership Law: The Economic Impact*, April 2004 (available at: www.dti.gov.uk/cld/reformofpartnershiplaw.pdf)

Cases

- 35.34. *Dollar Land Ltd v. CIN Properties Ltd* 1996 SLT 186, CS (OH). *Rowlands v Hodson* [2009] EWCA 1025
36. *Barnard, Re* [1932] Ch 269
37. *Re Magi Capital Partners LLP*, Oxford University Press, [2003] EWHC (High Court of England and Wales) 2790.
38. *Patley Wood Farm LLP v Brake* [2013] EWHC 4035 (Ch).
39. *BFI Optilas v Blyth* [2002] EWHC 2693, QBD
40. *Williams v Natural Life Health Foods Ltd*
41. *Standard Chartered Bank v Pakistan National Shipping Co (No 2)* [2002] BCC 846 (HC).